

بررسی مولفه‌های مسئولیت‌پذیری بر اساس دیدگاه اسلام

زهرا حسینی^۱، مهشید ایزدی^{۲*}، نجمه وکیلی^۳

۱- دانشجوی دکتری، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم اجتماعی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران

۲- استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم اجتماعی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران

۳- استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم اجتماعی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران

چکیده

هدف از این تحقیق، بررسی مولفه‌های مسئولیت‌پذیری بر اساس دیدگاه اسلام است. در این خصوص هدف از بررسی مولفه‌های مسئولیت‌پذیری از دیدگاه اسلام پرداخته شده است. این مطالعه با رویکرد کیفی و به روش توصیفی-تحلیلی و با بررسی متون اسلامی و به روش کتابخانه‌ای انجام شده است. بدین صورت که محقق با جستجو در کتب، پایان‌نامه‌ها، مقالات، سایت‌های معتبر و مرتبط با موضوع پژوهش به توصیف و تحلیل آن پرداخته است. با توجه به نوع موضوع پژوهش جامعه تحلیلی تمام منابع مرتبط با موضوع پژوهش می‌باشد. با توجه به یافته‌های محقق از دیدگاه دین اسلام، چهار مولفه (اعتقادی- فردی- اجتماعی- محیط طبیعی) شناسایی شده است که برای دستیابی به اهداف هر مولفه از روش‌های خاص بهره گرفته شده است.

واژه‌های کلیدی: مولفه‌ها، مسئولیت‌پذیری، دیدگاه اسلام

مقدمه و بیان مسأله

رشد و تعالی انسان چه از لحاظ روحی و فردی و چه از لحاظ اجتماعی به مسئولیت‌پذیری او ارتباط دارد زیرا اهتمام افراد نسبت به اداره و مدیریت امور واکنش مسئولانه نسبت به پدیده‌های پیرامون خویش، رشد اخلاقی و انسانی را در بر خواهد داشت و فرایندی که با تکیه بر مبنای اسلام باعث درونی کردن آگاهی و عمل و چگونگی تحقق آن خواهد شد دارای اهمیت می‌باشد. شایان ذکر است که ابعاد این نوع مسئولیت‌پذیری با یکدیگر پیوند ناگسسته دارند و باید به صورت همه‌جانبه در افراد رشد یابند، چراکه روابط صحیح در یک بُعد بدون دیگری، آن وظیفه نیست که رغبت فطری به آن است و به عبارت دیگر، پیوندی میان این مسئولیت‌ها وجود دارد که پذیرش برخی از آنها، حتماً به پذیرش مسئولیت دیگر می‌انجامد و بدون آنها این مهم عملیاتی نمی‌شود. این نوع آموزه‌ها حاکی از آن است که این مسئولیت‌ها در نظام معرفتی و تربیتی، به هم تنیده در نظر گرفته شده‌اند و این بدین معنی است که در پذیرش و عملیاتی ساختن هر دسته از این مسئولیت‌های چهارگانه باید از دسته‌های دیگر نیز کمک گرفت و آنها را نیز شکوفا ساخت و به رشد رساند تا رفتار معرفتی مبتنی بر سبک زندگی اسلامی تحقق یابد. با توجه به مطالب فوق محقق درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که هدف از بررسی مولفه‌های مسئولیت‌پذیری بر اساس دیدگاه اسلام کدام است؟ ابتدا به توضیح چارچوب مفهومی ابعاد چهارگانه مسئولیت‌پذیری در سبک زندگی اسلامی اشاره‌ای خواهیم داشت.

پرسش‌های پژوهش:

پرسش اصلی

هدف از بررسی مولفه‌های مسئولیت‌پذیری بر اساس دیدگاه اسلام کدام است؟

پرسش فرعی

۱- مولفه‌های اعتقادی بر اساس دیدگاه اسلام چیست؟

۲- مولفه‌های فردی بر اساس دیدگاه اسلام چیست؟

۳- مولفه‌های اجتماعی بر اساس دیدگاه اسلام چیست؟

۴- مولفه‌های محیط طبیعی بر اساس دیدگاه اسلام چیست؟

روش پژوهش

این مطالعه با رویکرد کیفی و به روش توصیفی-تحلیلی و با بررسی متون اسلامی و به روش کتابخانه‌ای مورد مطالعه قرار گرفت. بدین صورت که محقق با جستجو در کتب، پایان‌نامه‌ها، مقالات، سایت‌های معتبر و مرتبط با موضوع پژوهش به توصیف و تحلیل آن پرداخت. با توجه به نوع موضوع پژوهش جامعه تحلیلی تمام منابع مرتبط با موضوع پژوهش می‌باشد. حجم نمونه این پژوهش، تمامی منابعی است که محقق به لحاظ بضاعت علمی و موقعیتی به آنها دسترسی داشته است. محقق برای گردآوری داده‌ها و تحلیل اطلاعات، با در نظر گرفتن موضوع پژوهش، اهداف آن و برای یافتن پاسخ پرسش پژوهش، و با در نظر گرفتن سرفصل‌ها و عناوین تعیین شده به مطالعه منابع کتاب‌ها و فیش برداری از آن‌ها پرداخته است و سپس فیش‌ها بر اساس چارچوب در نظر گرفته شده طبقه‌بندی، و متناسب با اطلاعات جمع‌آوری شده مورد ارزیابی و بررسی قرار داده و با استفاده از تحلیل منطقی مطالب، به توصیف داده‌ها پرداخته است.

یافته‌ها

هدف از بررسی مولفه‌های مسئولیت‌پذیری بر اساس دیدگاه اسلام کدام است؟

مولفه اعتقادی (در ارتباط با خالق)

پرسش فرعی اول این بود که مولفه اعتقادی بر اساس دیدگاه اسلام چیست؟ مهم‌ترین مسئولیت انسان که عامل عملیاتی کردن سایر مسئولیت‌ها نیز هست، مسئولیت‌های انسان در برابر خداست. چون خلق و امر آدمی و همه هستی از خدای متعال است و او مالک همه چیز است، هر جا حقی و یا در برابر آن مسئولیتی باشد، اصالتاً از آن خداست و هیچ حقی برای کسی به خودی خود ثابت نمی‌شود، مگر اینکه خداوند متعال آن حق را به آن موجود اعطا کرده باشد و هیچ مسئولیتی متوجه کسی نمی‌شود، مگر آنکه خداوند آن را از او خواسته

است. لذا خداوند حقّ تصرف در هر موجودی را خواهد داشت و از آن سو، هیچ موجودی حقّی بر خداوند و دیگر موجودات ندارد، چون هیچ گونه مالکیت و خالقیت نسبت به آن ندارد (باقری، ۱۳۹۰، ج ۱، ۶۱). این بدان معناست که معرفت و ایمان به خدا و صفات او و پذیرش نقش او در خلق و امر و اداره نظام هستی، از جمله خود و انسان‌ها و پرستش خاضعانه و خاشعانه وی، فرد را به کمال خود هدایت می‌کند (قدوسی‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۳). امام سجّاد^(ع) در باب این موضوع می‌فرماید: «إِعْلَمَ رَحْمَتَكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْكَ حَقُوقاً مُّحِيطَةً بِكَ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ تَحْرُكْتَهَا وَ سَكْنَةٍ سَكَنْتَهَا أَوْ حَالَ حَلَّتَهَا أَوْ مَنْزِلَةً نَزَلَتْهَا أَوْ جَارِحَةً قَلَبَتْهَا أَوْ آلَةً تَصَرَّفَتْ فِيهَا فَأَكْبَرُ حَقُوقِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيْكَ مَا أَوْجَبَ عَلَيْكَ لِنَفْسِهِ مِنْ حَقِّهِ الَّذِي هُوَ أَصْلُ الْحَقُوقِ: بدان که خدای عزّ و جلّ را بر تو حقوقی است که در هر جنبشی که از تو سر می‌زند و هر آرامشی که داشته باشی و یا در هر حالی که باشی، یا در هر منزلی که فرود آیی، یا در هر عضوی که بگردانی، یا در هر ابزاری که در آن تصرف کنی، آن حقوق اطراف تو را فرا گرفته است. بزرگترین حقّ خدای تبارک و تعالی همان است که برای خویش بر تو واجب کرده است؛ همان حقّی که ریشه همه حقوق است» (ابن شعبه حرّانی، ۱۴۰۴ق، ۲۵۵).

خداوند در قرآن بارها از انسان‌ها می‌خواهد که به مسئولیت‌هایش در برابر خدا بپردازد و از قوانین الهی که تضمین‌کننده سعادت آدمی است، اطاعت کند (آل عمران: ۳۲ و ۱۳۲؛ نساء: ۵۹ و مائده: ۹۲)؛ زیرا این اطاعت زمینه‌ساز رسیدن انسان به خداوند است و این امکان را به بشر می‌دهد تا با تخلّق به اخلاق الهی و صفات و اسمای خداوندی، خدایی شده است و در مقام خلافت الهی قرار گیرد و به کمال مطلق خود برسد و از نقص‌رهایی یابد^۱ (بقره: ۳۰). البته طبق آیات فوق اطاعت از خداوند در پیروی از دین اسلام و اطاعت از پیامبر^(ص) و اولوالأمر^(ع) معنا و

۱. وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ: (به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در روی زمین جانشینی [نماینده‌ای] قرار خواهم داد. فرشتگان گفتند: پروردگارا! آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که فساد و خونریزی کند؟! (زیرا موجودات زمینی دیگر که قبل از این آدم وجود داشتند نیز به فساد و خونریزی آلوده شدند. اگر هدف از آفرینش این انسان، عبادت است،) ما تسبیح و حمد تو را به جا می‌آوریم و تو را تقدیس می‌کنیم. پروردگارت فرمود: من حقایقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید (بقره: ۳۰).

ظهور می‌یابد؛ به عبارت دیگر، اساس مسئولیت‌پذیری آدمی دامنه گسترده آن، مسئولیت اعتقادی است؛ زیرا زمینه‌ساز عملیاتی کردن مسئولیت‌های دیگر است و در سبک زندگی سعادت‌مندان، بیشترین نقش را دارد.

امام رضا^(ع) با اشاره به تأثیر محوری مسئولیت اعتقادی در حیات جاوید آخروی فرمودند: «همانا اولین چیزی که در روز قیامت از بنده سؤال می‌شود؛ شهادت به یگانگی خدا و رسالت پیامبر^(ص) و دوستی علی بن ابی‌طالب^(ع) است»^۱ (کاشانی، ۱۳۴۴، ج ۱۰، ص ۳۳۵).

مولفه فردی (در ارتباط با خود)

پرسش فرعی دوم این بود که مولفه فردی بر اساس دیدگاه اسلام چیست؟ موجودات جهان به سوی کمالی که برای ایشان در نظر گرفته شده است، در حرکت هستند و همه شرایط و امکانات لازم برای رسیدن به کمال، از سوی خالق دانا برای آنان پیش‌بینی شده است و در اختیار ایشان قرار گرفته است. اما همه آنها جز انسان، نه علم به هدف دارند و نه راه را خود انتخاب کرده‌اند، بلکه این خداوند حکیم است که جهان هستی را این‌گونه تنظیم کرده است که هر موجودی به سوی غایت نهایی خود رهسپار باشد و چاره‌ای جز این ندارد، چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى: گفت: پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او بوده، داده است، سپس هدایت کرده است! (طه: ۵۰). اما خداوند در کلام نورانی خویش در باب انسان فرموده است: أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا... (المؤمنون: ۱۱۵). در جای دیگر نیز بیان می‌فرماید: أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى: آیا انسان گمان می‌کند که بی‌هدف رها می‌شود؟! (القیامت: ۳۶). از این آیات استنباط می‌شود که خداوند کمال قرب و منزلت را برای انسان قائل شده است؛ زیرا از او خواسته که مانند موجودی رها و بی‌تکلیف، در پی کارهای بیهوده نباشد، بلکه در خود احساس مسئولیت را پرورش دهد و همواره خود را مسئول بداند.

^۱ إِنَّ أَوَّلَ مَا يُسْأَلُ عَنهُ الْعَبْدَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الشَّهَادَةُ وَ النَّبُوَّةُ وَ مَوَالَاتِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

در نتیجه، هرگز خود را به بهایی کمتر از لقای پروردگار و یا بهشت ابدی نفروشد که در غیر این صورت، به یقین از زیانکاران خواهد بود. انسان در حریم فردی نیز مستقل و رها از هر گونه باید و نباید نیست. از این نظر، آدمی در تعامل خود نسبت به حفظ حیات، عزت نفس و آزادی خویش مسئولیت دارد. به همین دلیل، خودکشی، خودآزاری و ظلم‌پذیری از رفتارهای غیراخلاقی فرد با خود است. از سوی دیگر، وجود و هستی آدمی از بزرگترین نعمت‌های خداوندی است که وی نسبت به آن مسئولیت سنگینی دارد. خداوند انسان را خلیفه خود بر روی زمین قرار داده است و از این رو، به او موهبت وجودی خاصی عنایت فرموده است. در وجود انسان، استعدادها و قابلیت‌هایی وجود دارد که دیگر موجودات از آن محروم هستند. آدمی می‌تواند با شناخت و عمل درست، مظهر صفات الهی گردد و حقیقتاً خلیفه خدا بر روی زمین باشد. خداوند در این باره می‌فرماید: *إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا*: ما امانت (تعهد، تکلیف، و ولایت الهیه) را بر آسمان‌ها، زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم، ولی آنها از حمل آن سر برتافتند، و از آن هراسیدند، اما انسان آن را بر دوش کشید، (چراکه) او بسیار ظالم و جاهل بود (أحزاب: ۷۲). بنابراین، انسان نسبت به برخورداری از توانمندی‌ها و استعدادهایش مسئولیت دارد. حتی با توجه به برخی از آیات می‌توان کانون مسئولیت را متوجه اصلاح و تهذیب فردی دانست. قرآن کریم مسئولیت را ابتدا نسبت به خود فرد بازمی‌گرداند و می‌فرماید: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُنْتُمْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمْتُمْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ*:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت) خدا بپرهیزید و هر کس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش فرستاده است؛ و از خدا بپرهیزید که خداوند از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است (حشر: ۱۸). این معنا در آیات بسیاری آمده است و نیز بیان شده است که اگر دیگران گمراه شوند، در صورت هدایت فردی به شما آسیب نمی‌رسد (مائده: ۱۰۵). آیاتی نیز که بیانگر تفکیک اعمال میان افراد

است، بر این مطلب دلالت دارند (إسراء: ۱۵؛ لقمان: ۳۳ و سبأ: ۲۵).

انسان در باب خود نیز مسئول است که خویشتن خویش را بشناسد و در پرورش استعدادها و توانایی‌هایش بکوشد، ضعف‌ها و زشتی‌های خود را برطرف سازد، کرامت انسانی خویش را

محفوظ بدارد و فرصت عمر را که گرانبهارترین سرمایه اوست، غنیمت شمارد؛ به عبارت دیگر، انسان با شناختن حقیقت خود و عظمت وجودی خویش، شوق تحصیل کمالات و تزکیه نفس از پلیدی‌ها در وجودش جوانه می‌زند و رشد می‌کند و می‌کوشد نفس خود را از رذائل اخلاقی دور کند؛ زیرا به ارزش این گوهر گرانبها و لطیفی که از دریای پهناور عالم ملکوت به دیار ملک و ماده آمده است و به فرمان خداوند متعال، این بدن جسمانی را به خدمت گرفته است، پی می‌برد و با پی بردن به ارزش آن، همه دنیا را و آنچه در آن است، در مقابل آن کوچک و بی‌ارزش می‌یابد (کرمعلیان و حسینی، ۱۳۸۳، ص ۶۳)

مولفه اجتماعی (در ارتباط با دیگران)

پرسش فرعی سوم این بود که مولفه اجتماعی بر اساس دیدگاه اسلام چیست؟ انسان فطرتاً موجودی اجتماعی است و این حقیقت خود را در دو چهره نشان می‌دهد، یکی اینکه هر فرد انسانی گرایش به جامعه پذیری دارد و می‌خواهد زندگی اجتماعی داشته باشد و زندگی بدون تعامل با دیگران برای وی دشوار است و دیگر اینکه هر فردی نسبت به دیگری احساس مسئولیت می‌کند و خود را در سرنوشت دیگران و دیگران را در سرنوشت خویش مؤثر می‌داند و از این روست که در آموزه‌های دینی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی، به عنوان یکی از مهم‌ترین و هدفمندترین بخش تربیت آدمی تأکید شده است. مسئولیت‌پذیری اجتماعی از جنبه‌های فطری آدمی است که به صورت گرایش و توانمندی در هر فردی وجود دارد و از این رو، «مدنیّ بالطبع» نامیده شده است. به فعلیت رساندن این توانمندی و عملیاتی ساختن این گرایش در همه مراحل زندگی می‌تواند زمینه‌ساز تحولات تربیتی و ظهور توانمندی‌های بالقوه افراد باشد (شریفی، ۱۳۹۱: ۲۰۱). مسئولیت‌پذیری اجتماعی نوعی احساس التزام به عمل یا واکنش فردی در موقعیت‌های گوناگون به دلیل تقید به دیگران است که نتیجه آن، نوعی احساس تعهد و پابندی به دیگران و تبعیت از قواعد و معیارهای اجتماعی و نیز درک قواعد گروهی است که در ذهن و رفتار فرد شکل می‌گیرد (سبحانی‌نژاد و آب‌نیکی، ۱۳۹۱، ص ۶۲) و اثرات آن را به گونه‌ای همه‌جانبه می‌توان در زندگی انسان‌ها و در ابعاد مختلف فکری، اجتماعی، مذهبی، هنری و اخلاقی آنها مشاهده کرد (فقیهی و همکاران،

۱۳۹۲: ۶۸). از مطالب فوق چنین برمی آید که انسان به تنهایی توانایی برطرف کردن نیازهای خود را ندارد. او هم در تأمین نیازهای مادی، همچون خوراک، پوشاک، مسکن و غیره نیازمند همکاری با دیگران است و هم در تأمین نیازهای معنوی، مثل دوستی و مهرورزی و مانند آنها به فردی احتیاج دارد که او را دوست بدارد و او نیز آن را دوست داشته باشد. بنابراین، انسان ناگزیر از حیات اجتماعی است و بسیاری از موهبت‌های زندگی خویش را مدیون جامعه می‌داند و او همواره از دیگران خیر و برکت دریافت می‌دارد. در سایه تعامل با اجتماع از غم و نگرانی آزاردهنده تنهایی رها می‌شود، بر لبانش گل لبخند می‌شکفتد و بر علم، تجربه و آگاهی‌های او افزوده می‌شود و این گونه است که دست لطف و مهر خداوند را احساس می‌کند، چنان که رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «دست خداوند به همراه جماعت است» (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۱، ج ۲: ۵۳۷).

آثار سودمندی که به برکت ارتباط با جامعه و اجتماع نصیب انسان می‌شود، بی‌شک سبب ایجاد حسّ مسئولیت آدمی در برابر آنان خواهد شد و در این رهگذر، کم‌ترین وظیفه او، بازداشتن خویش از آزار رساندن به دیگران است. بر این اساس، تنها در سایه احساس مسئولیت در برابر جامعه است که رعایت حقوق دیگران معنا پیدا می‌کند و شومی ظلم و ستم آشکار می‌شود. همچنین تنها به همین سبب است که با دیدن رنج گرسنگی و فقر و اندوه در چهره دیگران، روح آدمی آزار می‌بیند و بی‌تفاوتی برای او واژه نامأنوسی می‌شود (معمّدی، ۱۳۹۲: ۱۳۳).

این بُعد از ابعاد مسئولیت انسان، نسبت به دیگر انسان‌هاست که در زمینه‌های گوناگون اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرد، از مهم‌ترین آنها مسئولیت نسبت به فرستادگان خداوند، یعنی قرآن، رسول‌الله، ائمه هدی (ع)، و اطاعت از آنان است. دیگر حوزه‌های مسئولیت انسان در رابطه با دیگران، شامل همه روابط خانوادگی و خویشاوندی، همسایگان، طبقات محروم، مؤمنان، قشر جامعه، حکومت و یا حتی بشریت که به صورت گوناگونی چون محبت، رعایت حقوق، اقامه قسط، همکاری و هدایت اعمال می‌گردد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ۳۱۶).

معیار مطلوب بودن پذیرش این مسئولیت، هماهنگی آن با مسئولیت فطری انسان با خداست که در لسان شرع و سیره معصومان (ع) به عنوان رضای پروردگار مطرح است. هدف مرضی خدا

این است که انسان‌ها با پاسداری حرمت‌های سه‌گانه، به سعادت انسانی نائل گردند و در درجات کمالی بی‌نهایت، خود را ارتقا دهند (فقیهی و نجفی، ۱۳۹۳: ۱۰).

مولفه محیط طبیعی (در ارتباط با زیست)

پرسش فرعی چهارم این بود که مولفه محیط طبیعی بر اساس دیدگاه چیست؟ منابع طبیعی ثروتی است که خداوند در طبیعت برای استفاده انسان‌ها فراهم ساخته است و عامل انسانی، در پدید آمدن آن نقشی ندارد. از بین بردن منابع طبیعی و آلوده ساختن محیط زیست، یکی از بزرگترین مشکلات عصر حاضر است که زندگی بشر را به خطر می‌اندازد. به عقیده دانشمندان، بیشتر نابسامانی‌های طبیعی؛ مانند سیل‌ها، پیشروی آب دریاها، کاهش سفره‌های زیرزمینی و آسیب‌پذیری لایه اُزن، به علت نابودی و آلوده‌سازی محیط زیست است. از نگاه آموزه‌های دینی، محافظت از منابع طبیعی و محیط زیست، از مهم‌ترین مسئولیت‌ها به شمار می‌رود.

قرآن کریم در بیان پاره‌ای از مسائل اقتصادی، با نگاهی جامع و فراگیر، انسان را از هر گونه فساد در زمین باز می‌دارد و می‌فرماید: *وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا...* و در زمین پس از اصلاح آن، فساد نکنید... (اعراف: ۸۵).

بدیهی است که نابودی منابع و آلودن محیط زندگی، از مصداق‌های فساد در زمین هستند. در روایت‌های اسلامی، زمین، منبع خیر و برکت و همچون مادری مهربان دانسته شده که نگهداری سالم آن بر همگان لازم است. رسول خدا^(ص) در این باره می‌فرماید: «از زمین محافظت کنید، چرا که زمین اصل و منشاء شماست» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۹۷). در جای دیگر نیز می‌فرماید: «درخت را جز به هنگام ضرورت قطع مکنید» (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۵: ۲۸۰) و در حدیثی از ایشان: «آبیاری درخت، همانند سیراب کردن مؤمن تشنه^۱» دانسته شده است (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۲: ۱۹۸). خداوند متعال در قرآن کریم به این مهم اشاره فرموده است: *...هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...* اوست که شما را از زمین آفرید و آبادی آن

^۱ «مَنْ سَقَى سِدْرَةَ أَوْ طَلَحَهُ فَكَأَنَّمَا سَقَى مُؤْمِنًا مِنْ ظَلَمٍ»

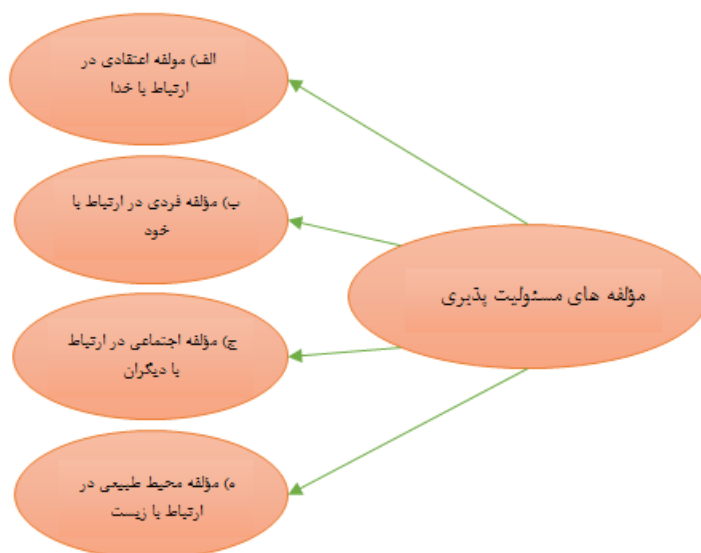
را به شما وا گذاشت... (هود: ۶۱). در این عمران و آبادانی باید کار از استحکام و اتقان برخوردار باشد^۱ (نهج الفصاحه، ج ۲، ۶۸۳).

تأکید آموزه‌های دینی بر عمران و آبادانی زمین (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۵، ۲۸۰)، کراهت آلوده ساختن عناصر محیط زیست مانند آب، خاک و هوا، و یا حتی کراهت آلوده ساختن محیط زندگی طبیعی حیوانات و جنبندگان (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۳۱-۲۲۸؛ طباطبائی یزدی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۳۳) و نیز لزوم نگهداری از حیوانات مفید و تأمین نیازهایشان (موسوی خمینی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۸۹) و ممنوع بودن آتش زدن و قطع کردن درختان و تخریب طبیعت، حتی در زمان جنگ با دشمن (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۱، ص ۶۷)، دلالت بر اهمیت و جایگاه حفظ منابع طبیعی و محیط زیست در اسلام دارد.

از بهترین طرح‌های زیست محیطی اسلام، ایجاد رابطه مسئولانه میان انسان و عوامل طبیعی است. برخی از روایات، تمام افراد جامعه را در برابر طبیعت و حیوانات مسئول دانسته، چنان که امیرمؤمنان علی^(ع) می‌فرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ وَ اطِيعُوا اللَّهَ وَ لَا تَعْصُوهُ؛ از خدا نسبت به بندگان و شهرهایش پروا کنید؛ زیرا دارای مسئولیت هستید، حتی نسبت به زمین‌ها، حیوانات و خداوند را اطاعت کنید و از نافرمانی او پرهیزید» (نهج البلاغه، خ ۱۶۶)

بنابراین، از مجموع آموزه‌های دینی که بر حفظ و مراقبت از طبیعت و منابع طبیعی تأکید شده است، استفاده می‌شود که همه انسان‌ها در برابر طبیعت خداداد مسئول هستند و باید در حفظ آن کوشا باشند. گفتنی است، جاذبه‌های زیبای طبیعت، اعم از جنگل‌ها، دشت‌ها، صحراها، گل‌ها و گیاهان، از عوامل مهم ایجاد آرامش و نشاط در آدمی هستند. از این رو، نابودی غیرمنطقی و غیراصولی این نعمت‌های دلربای خداوندی، به معنای از بین بردن نشاط و امنیت خاطر مردم و گرفتار ساختن آنها به اندوه، ناامیدی و افسردگی خواهد بود.

^۱ پیامبر اسلام (ص): «إِنَّ اللَّهَ يُجِبُّ إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يُتَّقِيَهُ».



نمودار ۱- مولفه‌های مسئولیت‌پذیری در اسلام

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله، مولفه‌های چهارگانه «اعتقادی، فردی، اجتماعی و زیست محیطی» مسئولیت‌پذیری بر اساس دیدگاه اسلام با استناد به آیات قرآن و روایات معصومین^(ع) پرداخته شد و موارد زیر مشخص گردید:

در بُعد اعتقادی مسئولیت آدمی آن است که اولاً به خداوند متعال معرفت پیدا کند و با معرفت به او، به وجود او و صفات علیا و اسمای حسنا او باور پیدا کند و ثانیاً فقط او را اطاعت و عبادت کند.

در بُعد فردی، مسئولیت انسان آن است که بداند روح انسان حقیقتی است غیرمادی که مانند هر موجود مجردی دارای سه بُعد علم و آگاهی، قدرت و محبت می‌باشد. این علم و آگاهی که به صورت ناخودآگاه در هر انسانی وجود دارد، در کنار گرایش‌های فطری او که می‌توان از همه آنها با عنوان گرایش فطری به سوی کمال مطلق و انزجار و بیزاری از نقص و کاستی نام برد، منبع و منشاء ارتباط انسان با خویشتن می‌باشند. با توجه به قدرت انسان بر

تشخیص، آگاهی، پیمودن مسیر، دارا بودن اختیار و آزادی در تفکر و عمل و نیز وجود حبّ ذات در انسان، گرایش به خود در انسان و محبّت به خویشان موجب می‌شود که علم و آگاهی ناخودآگاه او به خویشان، به علم و آگاهی آگاهانه تبدیل شود.

سپس در مرحله عمل با توجّه به آگاهی‌ها، خود را برای رسیدن به خیر و کمال و قرب الهی، چنان که باید بسازد، به سلاح ایمان و تقوا مجهّز شود و با فراهم آوردن عوامل سعادت و برطرف کردن موانع و آفات، به سیر و سلوک خویش ادامه دهد تا خود را به مراحل عالی آن برساند و از خودِ طبیعی به سوی خودِ انسانی و آنگاه به مرحله خودِ اعلی که مظهری از ذات حقّ است، تغییر جهت دهد و خلیفه‌الله و مظهر اسماء و صفات الهی گردد.

نتایج بررسی بُعد اجتماعی مسئولیت‌پذیری بیانگر آن است که انسان موجودی اجتماعی است و زندگی اجتماعی، منشأ حقوق و تکالیف معینی است که انسان در زندگی اجتماعی با توجّه به کرامت و مسئولیت خویش باید آنها را رعایت کند تا زمینه‌ساز تحقق عدالت اجتماعی باشد.

مهم‌ترین مسئولیت‌های فرد در بُعد چهارم که زیست محیطی نام دارد، این است که باید چگونگی رابطه جهان هستی را با خداوند دریابد و نیز بفهمد که خود او چگونه با جهان هستی و طبیعت برخورد کند تا برخورداری متقابل حاصل شود.

منابع

قرآن کریم.

۱- ابن بابویه، شیخ صدوق، من لایحضر الفقیه، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، ۱۳۶۸.

۲- ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق.). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین.

۳- اخلاقی، مسعود (۱۳۹۴). فلسفه مسئولیت در اسلام و نقش تعلیم و تربیت در تحقق آن. مجله ی پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه

شهید باهنر کرمان. سال هفتم شماره ۳، پیاپی ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴.

۴- باقری، خسرو (۱۳۹۰). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، تهران: مدرسه.

- ۵- باقری، خسرو. (۱۳۹۰). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. ج ۱. تهران: مدرسه.
- ۶- جعفری، محمد تقی (۱۳۷۰)، حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب، تهران: دفتر خدمات حقوق بین‌المللی.
- ۷- حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق.). وسائل الشّیعه. بیروت: دار احیاء التّراث العربی.
- ۸- سبحانی‌نژاد، مهدی و زهرا آب‌نیکی. (۱۳۹۱). «بررسی میزان توجّه به مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی در محتوای برنامه‌ی درسی دوره‌ی متوسطه‌ی نظری ایران در سال ۱۳۸۹-۱۳۹۰». فصلنامه‌ی اندیشه‌های نوین تربیتی. شماره ۱. صص ۵۹-۱۰۶.
- ۹- شریف‌الرّضی، محمد بن حسین. (۱۳۸۷). نهج‌البلاغه. ترجمه‌ی محمد دشتی. قم: جمال.
- ۱۰- شریفی، احمد حسین. (۱۳۹۱). همیشه بهار؛ اخلاق و سبک زندگی اسلامی. قم: معارف.
- ۱۱- طباطبایی یزدی، محمد کاظم. (۱۴۱۳ق.). العروة الوثقی. قم: مؤسسه‌ی اسماعیلیان.
- ۱۲- طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ترجمه‌ی ابراهیم میرباقری، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۵۵.
- ۱۳- فرهادیان، رضا، والدین و مربیان مسئول، ۱۳۹۲، چاپ پنجم، قم، انتشارات بوستان کتاب قم.
- ۱۴- فقیهی، علی‌نقی و حسن نجفی. (۱۳۹۳). «الگوی مطلوب روابط انسانی در نظام تربیتی امام رضا(ع)». مجموعه‌ی مقالات اولین همایش ملی حدیث رضوی. قم: دارالحدیث.
- ۱۵- فقیهی، علی‌نقی، مهدی سبحانی‌نژاد و حسن نجفی. (۱۳۹۲). «مبانی پرورش صلّه رحم و نقش آن در سبک زندگی اسلامی». فصلنامه‌ی پژوهشنامه‌ی اخلاق. شماره ۲۲. صص ۵۹-۸۲.
- ۱۶- قدوسی‌نیا، زینب. (۱۳۸۹). نظام اخلاقی در اندیشه‌ی علامه جعفری^(ره). پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده‌ی معارف، فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه باقرالعلوم^(ع).
- ۱۷- کاشانی، فتح‌الله. (۱۳۴۴). تفسیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین. ج ۱۰. تهران: اسلامی.
- ۱۸- کرملیان، حسن و علی‌اکبر حسینی. (۱۳۸۳). «عناصر تربیتی انسان طبیعی و آرمانی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی». فصلنامه‌ی اندیشه‌ی دینی. شماره ۱۱. صص ۶۱-۷۸.

- ۱۹- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسماعیل، الفروع من الکافی، مصحح علی اکبر غفاری، بیروت، دارمصعب، دارالتعارف، ۱۴۰۱، ج ۶.
- ۲۰- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق.). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- ۲۱- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، انتشارات دارالحديث، ۱۳۷۷.
- ۲۲- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۱). میزان الحکمه. ترجمه سید ابوالقاسم حسینی. قم: دارالحديث.
- ۲۳- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، انسان در قرآن. تهران: انتشارات صدرا.
- ۲۴- معتمدی، عبدالله. (۱۳۹۲). «سبک زندگی مطلوب بر اساس دیدگاه ارتباطی». فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی. شماره ۱۳. صص ۱۴۲-۱۲۵.
- ۲۵- موسوی خمینی^(ره)، روح‌الله. (۱۴۰۳ق.). تحریر الوسیله. تهران: مکتبه‌الاعتمادی.
- ۲۶- نجفی، محمدحسن. (۱۳۶۷). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- ۲۷- نهج‌الفصاحه. (۱۳۸۵). به کوشش علی شیروانی. قم: دارالفکر.